

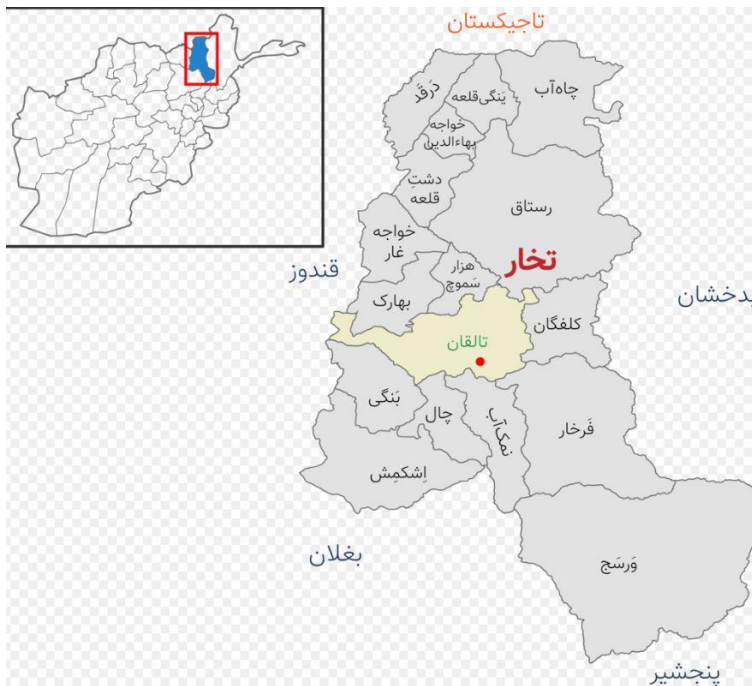


۲۰۲۳/۰۴/۰۲



عزیز الله کهگدای، جغرافیه / ولایت

## معرفی ولایت «تخار» در قاموس کبیر افغانستان



ولایت تخار: ولایت تخار یکی از ولایات تاریخی و سرسبز افغانستان بشمار میرود. از طرف شمال شرق با ولایت بدخشان و از جانب غرب با ولایت کندز و از طرف جنوب با ولایت بغلان و از جانب شمال با جمهوریت تاجکستان همسرحد میباشند. ولایت تخار از جمله ولایات درجه دوم کشور محسوب میشود.

نام تخار درمنبع هند بشكل «توشارا» آمده است که در سانسکریت به معنی « برف سرد » میباشد (ویب سایت آرشیف . اورگ) ، یونانیان باستان این منطقه را بنام «تخاروی » می شناختند، اما در زبان لاتین نام تخار بصورت «توچاری» آمده است (نمبه والتر، ماریکو) . نام تخار در متن های بودایی قرن ۴م مانند « ویبایسا-ساسترا» با عنوان «توخارا» ثبت شده است (ویکی پدیا) . در منابع تبتی، نام این

منطقه تحت عنوان «تودخا» ذکر شده است (بیجینگ بوک سی او- جون ۲۰۱۵) همچنین نام تخار در لسان چینی بصورت «دولولو» یا «تولولو» مشاهده شده است که اولین بار در دوره «وی شمالی» ۳۸۶-۵۳۴م ذکر گردیده است (موتی لال بنارسی داس ۱۹۸۶م) . در زمان فرمانروایی سلسله تانگ این نام بعنوان تولولو رونویسی میشود. نام های چینی دیگری «تخارن دوشالو» هستند .

قبلاً تخارها که اولین اقوام آریایی بلخ بودند، در قرن سوم ق.م ساکن ترکستان چین شدند، اما در نیمه قرن دوم پیش از میلاد در اثر تهاجمات هوم ها به نواحی «عربیترا» کوچ کردند. دوقوم تخاری «پوئه چی م و» و «ووسون» ابتدا به سمت فرغانه و سپس به قلمرو یونان باختری پیشروی کردند. یوئه چی ها و ووسون ها میان سالهای ۱۴۰ - ۱۳۰ ق.م به قلمرو دولت یونانی بلخ حمله ور شدند و پس از برانداختن آنها دولت کوشانیان را بنیاد نهادند که پس از امپراتوری تانگ دومین امپراتوری بزرگ دنیا به شمار میرفت. پس از تضعیف کوشانیان، بلترتیب کیداریان، هفتالیان، ترکان غربی و ساسانیان بر ترکستان حکومت نمودند. در ۶۵۲م یا ۳۲ق تخارستان توسط عبدالله بن عامر فتح گردید و به قلمرو مسلمانان افزوده شد. در این دوره بلترتیب طاهریان، صفاریان، سامانیان، فریغونیان، غزنویان، سلجوقیان، غوریان، خوارزمشاهیان، مغولان و تیموریان بر ترکستان حکومت کردند. در اوایل قرن ۱۶م و اواسط قرن ۱۸م، تخار توسط خانان بخارا اداره میشد. پس از انعقاد معاهده صلح در سال ۱۷۵۰م بین مراد بیگ بخارا و احمد شاه درانی تخار به امپراتوری درانی واگذار گردید. بعد از حکومت درانی ها تخار توسط سلسله بارکزیای اداره میشد. (ویکی پدیا)

ترکستان از قرن ۴م تا قرن ۷م بزرگ ساحه وسیعی در شمال شرق آریانا در جنوب رودخانه آمو از بدخشان تا بلخ و حتی الی ساحه میمنه امروزی اطلاق میشده است در قرن ۶م هنگامیکه ترکها «کیوتوها» از طرف شمال و شمال غرب پس از اضمحلال هفتالها و عقب زدن تهاجم ساسانیان وارد ترکستان شدند، در این منطقه یک نوع ملوک الطوایفی بمیان آمد، بدین معنی که هر خان ترک در علاقه کوچک خود حاکم بوده و در مجمع همه ایشان به خان مرکزی قندز مطیع بوده اند. بدین گونه قندز مرکز اداری را تشکیل میداد.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

در سال ۶۳۰م که زایرچینی هیوان تسنگ به تخارستان مسافرت کرد در قندز پسر ترک بزرگ «خان ترک» بنام تاردو چاد حکمفرما بوده کل تخارستان تحت نفوذ وی بود. قرار دادداشت های این زایرچینی ، در این وقت تخارستان به ۲۷ خان نشین تقسیم شده بود .

تخارها از قوم سیتی وشاخه از اقوام یونه چی های بوده که با چند قبیله دیگر سیتی وارد تخارستان شده اند و در قرن ۷م هیوان تسنگ از توخوری کلمه « تو- هو- لو» ساخته است . تخارستان از سال ۱۷۰۰م به بعد قطغن گفته شده است (حدود عالم ) ، البته در تقسیمات اداری افغانستان یکی از ۷ ولایت آن به حساب می آمد که مرکز آن نخست خان آباد و سپس بغلان تعیین گردید و در حوالی ۱۹۶۰م که افغانستان به ولایات متعدد تقسیم شد ، قطغن نیز تجزیه گردید که قسمتی از آن بنام ولایت تخار مسمی شد وتالقان مرکز آن تعیین گر دید(افغانستان تاریخی – پوهاند یمین ) .

حدود عالم فلسفه نامگذاری تخار را چنین می نگارد :وجه تسمیه تخار ناشی از نام یکی از اقوام سیتی است موسوم به تخار طوریکه گفتیم تخارها در حدود سده ۴ق م. هنگامی به جنوب آمو دریا وارد شدند این ناحیه را در ارتباط به نام خود شان تخارستان گفته اند که ساحات بیشتری نسبت به تخار امروز را احتوا میکرده است . نام تخارستان بار اول در یک اثر ترجمه شده در سال ۳۸۳م ذکر شده است(مولیرت ۱۹۴۸م) . تخارستان در آثار چینیایی در قرن ۷م به شکل «تو - خا - لا» آمده است. البته این نام از آن در آثار بطلموس به گونه تخاریو دیده میشود. باید گفت که نام بعدی تخارستان یعنی قطغن هم مربوط میشود به طایفه همین نام که در قرن ۱۸م. از سمرقند به این ناحیه آمده آنرا اشغال کردند. ( افغانستان تاریخی – پوهاند یمین ) .

ولایت قطغن در تقسیمات اداری کشور به سه ولایات بغلان، کندز و تخار تقسیم شد ( سایت قوقوس ) بیشتر مردم این ولایت را تاجکها، ازبکها تشکیل میدهد همچنین اقلیتی از هزاره ها و پشتونها نیز در این ولایت سکن هستند. تخاریکی از ولایات تاریخی بوده وقدامت آن به زمان اسکندر مقدونی برمیگردد. جغرافیه نگاران یونانی «استرابون» و «بطلموس» در آثارشان تقریباً ۲۳۰۰سال قبل از امروز از اسکندریه آمو دریا یا اسکندریه اوکسیانا خبر داده بودند اما تا این اواخر معلوم نبود که این شهر افسانوی اسکندر مقدونی در خاک کدام کشورهای آسیا مدفون و گمنام مانده است. در دهه ۱۹۶۰م طی یک سفر شکاری آقای غلام سرور ناشر رئیس شرکت اسپین زر سایت باستانی آی خانم را کشف کرد و «دنیل شلمبرژه» باستان شناس فرانسوی با «پریستون» باستان شناس کشف کردند که اسکندریه تاریخی همین شهر است .

شهرای خانم یا ماه بانو « بزبان ازبکی» بصورت یک تپه نسبتاً هموار باستانی در تقاطع دریا های آمو و کوچکه در ولسوالی «دشت قلعه» ولایت تخار قرار دارد که نزدیک به ولسوالی خواجه غار میباشد. آی خانم که بعداً بنام های اروکرتیه یا ایوکراتید خوانده میشود، یکی از شهرهای اصلی پادشاهی یونان باختری بود. در جریان جنگ شوروی در افغانستان متأسفانه آی خانم غارت شد و مقدار کمی از اشیای اصلی آن باقی مانده بود . (ویکی پیدیا )

در پنج قرن اول میلادی صنعت گریک و بودیک الی تخارستان موجود بود ، هیون تسنگ درباره اوضاع جغرافی، دینی و سیاسی افغانستان در سفرنامه در اول اگست ۶۴۴م «۲۴ق» در تخارستان سفر کرد. تسلط ساسانیان در افغانستان در عهد «قباد» که از نژاد آریایی بودند ، از طرف تخارستان برکابل و افغانستان مرکزی دست یافتند. نگینان که در تخارستان و قندز حکمرانی داشتند در اثر فشار نانگ های چین به جنوب هندوکش پناه بردند ، نیزک که آخرین مدافع تخار بود به نوشته الیعقوبی ، نیزک مسلمان گردیده بود و نامش عبدالله گذاشته شده بود. بعداً کشته شد و سر بریده اش را به حجاج فرستادند .

نام قسمت اعظم سرزمین افغانستان غربی و شمالی تا تخارستان ، کابل و هلمند در قرن ۷م خراسان بود که در عهد ساسانیان از قرن پنج به شهرت رسید.(تاریخ افغانستان بعد از اسلام – حبیبی) . بشاربن «برد» شاعر نا بینای تخارستانی بود .

هیون تسنگ که در سال ۶۴۴م-۲۴ق از این کشور دیدن کرد میگوید: خراسان با ولایات آن سرزمین وسیع و منابع فراوان آب دریا های خروشان داشت که ساحه زراعتی آمو یاد میشود و ولایت تخار از زمان قدیم کشتزار پنبه بوده اهالی پنبه خوب را برای ساختن لباس خود بکار میبردند ( کتاب اول تو- هو- لو – تخاره ) .

کاروان های که از تخار و بدخشان می گذشتند، برای اداره آن کاروان ها که به چین می رفتند، مامون خلیفه در بین دو کوه دروازه ساخته بود آنرا «درتازیان» می گفتند و راه دیگری که از گهساران بدخشان و تخار به تبت می رفتند آنرا «درتبت» می نامیدند (حدود عالم) . هیون تسنگ درباره مردم تخارستان در کتاب «سی- یو- کی» راجع به مردم

تخار مینویسد: مردم این سرزمین عجول، تند و بیبیک اند، و وضع زندگی اکثر مردم آنجا را کوچیان میدانند که دارای گله های مواشی میباشند. لباس مردم کوهساران تخار، غور، زابل و غیره همان لباسهای بود که در مجسمه ها و تصاویر کوشانیان و ملوک محلی تخار و بامیان و ساسانیان دیده میشود. (تاریخ افغانستان بعد از اسلام - حبیبی) .  
در عصر کوشانیان «قرن اول میلادی» در تخارستان زبان آن دری قدیم و یا تخاری و رسم الخط آن یونانی شکسته و تاریخ آنرا به بابلی چینی نوشته اند. به سی و یکم سال سلطنت کوشانیان، هنگام نپسان ماه «مادر زبان دری» شهر یورگان روز جشن از رسوم تخارستان بود که مردم در خانه های خود آتش می افروختند و گویند که این جشن را مردم خراسان از رسوم تخارستان گرفته و آنرا در اول زمستان به اول خزان آورده بودند (کتاب فوق) .  
در دوقرن اول اسلامی، شعر و ادب عربی متدرجاً از قالب قدیم اشعار دوره جاهلیت برآمد و در سایه دولت اموی و عباسی نشونما یافت . دعیل حسن بن علی خزاعی کوفی «۲۶ق» شاعر مشهور هجاء در تخارستان والی بود (کتاب فوق)

تخار با داشتن ۲۳ هکتار شالی زار و تولید ۷۵ هزار تن برنج مقام دوم تولید برنج افغانستان را دارا است (هفته نامه دهقان)

در ولایت تخار رسانه های صوتی، تصویری و چاپی رشد قابل ملاحظه نموده است. در ولایت تخار از زمانه های قدیم نویسندگان ، علماء ، شاعران چیره دست زندگی و رشد میکردند و اکنون مشاهیر دانشمند وجود دارد که بیانگر هویت فرهنگی این ولایت اند .

در ولایت تخار هنوز کمپنی های تولیدات صنعتی وجود ندارند ، اما اهالی زهمتکش آن به صنایع دستی دسترسی قابل ملاحظه دارند که از آن جمله میتوان از چموس دوزی از پوست حیوانات، پشمینه بافی از پشم حیوانات و موره دوزی خوبی دارند . خامک دوزی همچنین صنایع دستی زنان در ولایت تخار نیز درخور ستایش است .

---

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ